

امام خمینی^(ع): این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

۱. «وَ كَيْفَ يَرَاعِي النَّبَأَ مَنْ أَصَمَّتْهُ الصَّيْحَةُ» یعنی:

- الف. چگونه سخنان را درخواهد یافت آنکه فریاد می‌زند و خشم می‌راند و دیگران را نمی‌بیند؟
ب. کسی که می‌کارد می‌رویاند با آنکه خشم می‌راند و فریاد برمی‌آورد چگونه برابر و یکسان تواند بود؟
ج. کسی فریاد بلند او را کر ساخته است چگونه به صدای آهسته و اندک توجه خواهد کرد؟
د. چگونه خبر خواهد داد کسی که خود هیچ خبری را دریافته است و بصیرت ندارد؟

۲. «جَوَادُ الْمُضِلَّةِ» و «لَا تُمِهُونَ» به ترتیب در عبارت به چه معنی آمده‌اند؟

- الف. راه‌های باطل - به آب دست نمی‌یابید.
ب. اسبان نیکو - بی‌توجهی نمی‌کنید.
ج. اسبان چموش - وجهه همت قرار نمی‌دهید.
د. بخشندگان قبیله - نمی‌بینید.

۳. «تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُلُّ عِضُّ عَلَيَّ نَاجِدِكَ» یعنی:

- الف. هنگامی که آفتاب از کوهها غروب می‌کند تو حرکت کن.
ب. کوهها ناستوارتر از دشمنان توست. بر آنها استوار و محکم بتاز.
ج. کوه را بگذار و بگذر و از هدف تو برمگردان.
د. اگر کوهها از جای جنبیدند تو استوار باش و دندان همت بیفشار.
۴. «وَ رَجُلٌ قَمَشَ جَهْلًا مَوْضِعَ فِي جُهَالِ الْأُمَّةِ، عَادٍ فِي أَعْبَاشِ الْفِتْنَةِ»

- الف. آنکه لباس جهل بپوشد و به جاهلان گراید و فتنه‌ها را بیاغازد.
ب. مردی که نادانی گرد آورد و به سوی بی‌خردان شتابد و در تاریکی‌های فتنه بتازد.
ج. آنکه نادانی ببافد و پایگاه نادانی پردازد و اندیشه تباهی در سر داشته باشد.
د. مردی که اقدام کند بدون دانش و منزل سازد به دور از خردمندی و در کام فتنه قرار گیرد.

۵. «جَاهِلٌ خَبَاطُ جَهَالَاتٍ، لَا مَلِيٍّ وَ اللَّهُ بِاصْدَارِ مَا وَرَدَ عَلَيْهِ» «مَلِيٌّ» یعنی:

- الف. زائد ب. کاردان و شایسته ج. بی‌هدف د. متمایل

۶. «لَيْسَ فِيهِمْ سِلْعَةٌ أَبُورٌ مِنَ الْكِتَابِ» «سِلْعَةٌ» یعنی:

- الف. کالایی ب. سببی ج. انگیزه‌ای د. وسیله‌ای

۷. «ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَاءُ بِذَلِكَ عِنْدَ الْأَمَامِ الَّذِي إِسْتَقْضَاهُمْ فَيَصُوبُ آرَائُهُمْ» «إِسْتَقْضَاهُمْ» یعنی:

- الف. از او دادخواهی شده است.
ب. بر او قضاوت صورت گرفته است.
ج. قضا و قدر را می‌پذیرد.
د. آنها را به قضاوت گماشته است.

۸. «فَعَلِيٌّ ضَامِنٌ لِفَلَجِكُمْ آجَلًا إِنْ لَمْ تُمْنَحُوهُ عَاجِلًا» مرجع ضمیر «ه» در «لَمْ تُمْنَحُوهُ» کدام کلمه است؟

- الف. آجلاً ب. فلج ج. ضامن د. علی

۹. «وَأَيُّ وَاللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيَدَالُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيِ الْبَاطِلِ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ» «سَيَدَالُونَ» یعنی:

الف. به دولت و حکومت خواهند رسید.

ب. راهنمایی و هدایت خواهند شد.

ج. هدایت خواهند کرد.

د. خبر خواهند داد.

۱۰. «كَالْتَّوْرِ عَاقِصًا قَرْنَهُ» کنایه از چیست؟

الف. تلاش و کوشش

ب. آمادگی و جدیت

ج. عظمت

د. خودپسندی و سرکشی

۱۱. «دَخَلْتُ عَلَيِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِذِي قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ» «يَخْصِفُ» یعنی:

الف. درمی آورد.

ب. آورده بود.

ج. وصله می زد.

د. می خرید.

۱۲. «قَدْ طَوَّحَتْ بِكُمْ الدَّارُ وَاحْتَبَلَكُمْ الْمِقْدَارُ» یعنی:

الف. قدر و مرتبه سرزمین و ارزش آن را نمی دانید.

ب. از ترس مرگ، خود را گرفتار خواری کرده اید.

ج. زمین و جایگاه، شما را از خویش به دور افکنده و تقدیر به بندگان کشیده است.

د. از سرآغاز هدایت دور شده اید و با سرنوشت خود درستیزید.

۱۳. «الْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا وَقَبَ لَيْلٌ وَغَسَقَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا لَاحَ نَجْمٌ وَخَفَقَ» کدام گزینه صحیح است؟

الف. وَقَب: فرا رسد.

ب. غَسَقَ: روشن شود.

ج. كُلَّمَا: حتی

د. لَاحَ: ناپدید گردد.

۱۴. «وَلَعَمْرِي لَوْ كُنَّا نَأْتِي مَا أَتَيْتُمْ مَا قَامَ لِلدِّينِ عَمُودٌ» یعنی:

الف. در طول مدت عمرم اگر وظیفه ام را انجام نمی دادم دین بر پای نمی ماند.

ب. در زندگی ام اگر با شما همراهی نکردم و تنها ماندم در عوض به ستونهای دین صدمه نزد.

ج. زندگی اگر در خدمت به دین صرف نمی شد ستونهای دین مستحکم نمی شدند.

د. به جان خودم سوگند اگر آنچه را که شما کرده اید ما انجام می دادیم ستونی برای دین برپا نمی شد.

۱۵. «ابْتَاعُوا مَا بَقِيَ لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ» این عبارت کدام گزینه را توصیه می کند؟

الف. از عمر توشه آخرت گرفتن

ب. تجارت و داد و ستد

ج. به بقا و فنا یکسان نگرستن

د. ایثار کردن

۱۶. «فَأَتَقِي عَبْدُ رَبِّهِ، نَصَحَ نَفْسَهُ» افعال ماضی در این عبارت، از نظر معنا، معادل کدام گزینه هستند؟

الف. مضارع

ب. امر حاضر

ج. امر غایب

د. ماضی نقلی

۱۷. «إِحْتَجُّوا بِالشَّجَرَةِ وَآضَاعُوا الثَّمَرَةَ» «إِحْتَجُّوا» یعنی:

الف. بی نیازی نشان دادند.

ب. مشغول شدند.

ج. نیازمند شدند.

د. استدلال کردند.

۱۸. کدام گزینه درست است؟

الف. اُداریکُم: شما را یاری کردم.

ب. الضَّبَّة: تیر شکسته

ج. الضَّبَع: سوسمار

د. الباحت: برکه‌ها

۱۹. «فَمَا أَنْتُمْ إِلَّا كَالْمَرْأَةِ الْحَامِلِ، حَمَلَتْ فَلَمَّا أَتَمَّتْ أَمَصَلَتْ وَ مَاتَ قَيْمُهَا» «أَمَصَلَتْ» یعنی:

الف. سقط کرد.

ب. پرورش داد.

ج. بیمار شد.

د. تنها شد.

۲۰. «سَتَلْقِي الْأُمَّةَ مِنْهُ وَ مِنْ وَلَدِهِ يَوْمًا أَحْمَرٌ» منظور از «یومِ أَحْمَر» چیست؟

الف. آرامش نسبی

ب. روزگار سختی

ج. برکت و آبادانی

د. روزگار همیاری

۲۱. «عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَعَدَّ الْقَرَى لِيَوْمِهِ النَّازِلِ بِهِ» «الْقَرَى» یعنی:

الف. دهکده و روستا

ب. منزل و استراحتگاه

ج. جامهٔ زیرین

د. زاد و کردار شایسته

۲۲. «قَدْ خَلَعَ سَرَابِيلَ الشَّهَوَاتِ وَ تَخَلَّى عَنِ الْمُمُومِ» «سَرَابِيل» یعنی:

الف. کفش‌ها

ب. منازل و مراحل

ج. گردنبندها

د. جامه‌ها

۲۳. «أَلَمْ أَعْمَلْ فِيكُمْ بِالثَّقَلِ الْأَكْبَرِ وَ أَتْرُكَ فِيكُمْ الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ» منظور از «الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ» در کدام گزینه آمده است؟

الف. قرآن

ب. سنت

ج. عترت

د. عقل

۲۴. «فَإِنِّي فَقَاتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَ لَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غَيْهُهَا وَ إِشْتَدَّ كَلْبُهَا» مرجع ضمیر «ها» در «غَيْهُهَا» و «كَلْبُهَا» در کدام گزینه آمده است؟

الف. فتنه

ب. عین

ج. احد

د. غیري

۲۵. «إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ هَمَلَتْ أَعْيُنُهُمْ حَتَّى تَبُلَّ جُيُوبُهُمْ» این عبارت در توصیف چه کسانی است؟

الف. پیمان شکنان

ب. فتنه‌گران نهروان

ج. مؤمنان

د. اصحاب جمل

۲۶. عبارت «وَ لَوْ أَنَّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَيْنِ كَانَتَا عَلَى عَبْدٍ رَقْعًا ثُمَّ اتَّقَى اللَّهَ لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا» توصیه به کدام مقوله است؟

الف. دقت در صنع آفریدگار

ب. تعبد و عبادت

ج. تقدیر و سرنوشت

د. تقوی و ترس از خدا

۲۷. «كُلُّ أَمْرٍ لَاقٍ مَا يَفِرُّ مِنْهُ فِي فِرَارِهِ» «لاقٍ» یعنی:

الف. لایق

ب. ناسزوار

ج. گریزان

د. ملاقات کننده

۲۸. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُؤَارِي عِنْدَ سَمَاءٍ سَمَاءٍ» مصدر «لَا تُؤَارِي» در کدام گزینه آمده است؟

الف. مُؤَارَاة

ب. تَوَارِي

ج. تَتَوَارِي

د. تَوَرَّى

۲۹. «فَخَرَجُوا يَجْرُونَ حُرْمَةَ رَسُولِ اللَّهِ كَمَا تُجَرُّ الْأُمَّةُ عِنْدَ شَرَائِهَا» «الْأُمَّةُ» یعنی:

الف. مادر

ب. پیروان

ج. قبیله

د. کنیزک

۳۰. «جَاءَ بِأَمْرِ لَمْ يَعْرِفْ بَابَهُ وَ لَمْ تَسْلَمْ مَعَاذِيرُهُ» یعنی:

الف. کسی آمد که معلوم نبود از کجا آمده و چه می‌خواهد.

ب. کسی آمد که اصل و تبارش ناشناخته ماند و آرمانهایش را نکفت.

ج. کاری کرد که هدفش شناخته نشد و دلایلش پذیرفتنی نبود.

د. کاری کرد که شروع و پایانش مورد توجه واقع نشد.